

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۶، بهار و تابستان ۱۴۰۳، شماره ۳۱

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۳۳۳-۳۶۶

## خاستگاه تاریخی جغرافیایی روایات نهی از شرکت در قتال بین مسلمانان

مرجان شیرینی محمدآبادی\*

نصرت نیلساز\*\*

### چکیده

در منابع روایی سه قرن نخست اهل سنت، روایاتی درباره نهی از شرکت در قتال بین مسلمانان با طرق متعدد و متون مختلف نقل شده است. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوا و شیوه‌های مختلف تاریخ‌گذاری احادیث (یافتن در کهن‌ترین منبع، تحلیل سندی، تحلیل سندی-متنی)، خاستگاه تاریخی و جغرافیایی و سیر تطور تدریجی این روایات تبیین می‌شود. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که این روایات ابتدا توسط ابوبکره صحابی (م ۵۲-۵۰)، یکی از مراجع این روایات و تنها حلقه مشترک آن در طبقه صحابه در بصره ساخته و نقل شده است. انگیزه وی که از کنارگیریان در جنگ جمل بود، توجیه کار خود بوده و روایت را بین سال‌های ۳۶ (وقوع جنگ جمل) تا ۵۲ قمری جعل کرده است. سپس در طبقه بعد توسط حسن بصری (م ۱۱۰) اولین حلقه مشترک فرعی به صورت گسترده نشر یافته است. دو مرجع دیگر این روایات، ابوموسی اشعری (م ۴۹-۵۳) و انس بن مالک (م ۹۰-۹۳) هستند که به احتمال زیاد، راوی یا قائل این روایات نبوده‌اند و روایت به آن‌ها نسبت داده شده است.

کلیدواژه‌ها: قتال بین مسلمانان، روایات نهی، تاریخ‌گذاری، کهن‌ترین منبع، حلقه مشترک، تحلیل اسناد-متن.

\* دانش‌آموخته دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران / Marjan.shiri@modares.ac.ir

\*\* دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول) / nilsaz@modares.ac.ir

## ۱. مقدمه

تاریخ‌گذاری احادیث، روشی برای تعیین خاستگاه زمانی و مکانی پیدایش روایات، چگونگی تطور و تغییر آن‌ها در طول زمان و شناخت دغدغه‌ها و چالش‌های گوناگون فکری، سیاسی، اجتماعی جامعه‌ای است که در آن ساخته شده‌اند. در تاریخ‌گذاری روایات، مسئله صحت و نادرستی آن‌ها مطرح نیست، چراکه از روایات به‌عنوان منبع احکام و معارف دینی استفاده نمی‌شود؛ بلکه آن‌ها به‌عنوان منابع تاریخی دیده می‌شوند و محقق به‌منظور بازسازی تاریخ، روایات را به کار می‌گیرد. لازمه این بازسازی، نقد منبع (source criticism) است که با بررسی وثاقت، اصالت و درستی محتوای اطلاعاتی منابع موجود به ارزیابی منبع مورد نظر که در اینجا روایت است، می‌پردازد. مورخ برای تعیین میزان اعتبار یک منبع، بررسی می‌کند که آن منبع (روایت) چقدر از واقعه‌ای که به ما خبر می‌دهد فاصله زمانی و مکانی دارد؟ و آیا خاستگاه زمانی و مکانی که به خود نسبت می‌دهد، صحیح است یا نه؟ برای پاسخ به این سؤال‌ها، ابتدا گلدتسیهر و شاخ شیهه‌های مختلف تاریخ‌گذاری روایات را ابداع کردند و سپس خاورشناسانی چون نیبل، موتسکی، فان‌اس و... آن‌ها را اصلاح کردند و بسط دادند (برای تفصیل بیشتر ر.ک: موتسکی، ۱۳۹۴ الف: ۲۱-۸۰). همان‌طور که ذکر شد، در تاریخ‌گذاری روایات مسئله صحت احادیث مطرح نیست؛ برخلاف نقد حدیث که به اثبات صحت یا نادرستی روایات می‌پردازد. بنابراین، این دو روش جایگزین یکدیگر نمی‌شوند و هدف‌هایی متفاوت دارند.

یکی از روایاتی که در برخی منابع سه قرن نخست اهل سنت آمده، روایاتی با موضوع نهی از شرکت در قتال میان مسلمانان است. مضمون مشترک این روایات بدین شرح است: هرگاه دو مسلمان با یکدیگر درگیر شوند و یکی دیگری را بکشد، مجازات هر دو جهنم است. ضرورت بررسی این روایت بدین سبب است که برخلاف آن جنگ‌های داخلی مهمی در جامعه اسلامی از صدر اسلام تاکنون مانند جنگ جمل، صفین، نهروان، نهضت عاشورا و... رخ داده و پذیرش صحت این روایات، حکم به جهنمی بودن طرفین این نبردهاست.

پیشینه این مقاله از منظر روش‌شناختی، پژوهش‌های متعدد خاورشناسان در زمینه تاریخ‌گذاری روایات است. در ایران هم در مقالات متعددی روش‌های تاریخ‌گذاری خاورشناسان معرفی و به کار گرفته شده است؛<sup>۱</sup> اما با موضوع روایات نهی از شرکت در قتال

مسلمانان تاکنون مقاله‌ای تدوین نشده است.

## ۲. تحلیل محتوا

تحلیل محتوا روشی برای جمع‌آوری اطلاعات در علوم اجتماعی است که با توصیف و ارزیابی متن و براساس مشخصه‌های بارز آن، به نتیجه‌گیری درباره روابط پیدایش، منظور نویسنده، تأثیر پیام بر مخاطب یا بر وضعیت اجتماعی می‌پردازد (ر.ک: اتسلندر، ۱۳۷۱ش: ۶۴-۶۸). در این روش، تمام متن به منظور طبقه‌بندی عناصر معنادار پیام، شمارش بسامدی آن‌ها، حاضر یا غایب بودن واحدهای معنادار بررسی می‌شود و به وسیله ارقام و درصدها، برای تفسیر بر پایه اصول علمی و منطقی، اولین قدم برداشته می‌شود (ر.ک: باردن، ۱۳۷۵ش: ۳۷).

برای تحلیل محتوای احادیث نهی از شرکت در قتال مسلمانان، ابتدا متون روایات بررسی می‌شوند و مقوله‌های آن‌ها (موضوعات اصلی) مشخص شده، سپس زیرمقوله‌ها (موضوعات فرعی) که در ذیل مقوله‌ها قرار می‌گیرند تعیین می‌شوند. پس از آن، کدها (موضوعات فرعی‌تر یا کلیدواژه‌ها) مشخص می‌گردد و در نهایت جدولی ترسیم و کدهای موجود در هر روایت در آن مشخص می‌شود. از آنجا که ذکر کدها در جدول سبب حجیم شدن جدول می‌شود، برای اشاره به کدها، از حروف لاتین استفاده می‌شود؛ بدین صورت که یک حرف لاتین به‌عنوان شناسه زیرمقوله‌ها در نظر گرفته می‌شود و شناسه کدهای این زیرمقوله‌ها با افزودن توان به همان حرف مشخص می‌شود. قالب جدول بدین نحو است که در ردیف بالایی آن مقوله‌های روایت ذکر شده است و در ردیف بعدی، زیرمقوله‌ها آمده‌اند؛ سپس در ردیف بعدی، نام منابع حاوی روایت به ترتیب زمانی و نام راوی روایت از پیامبر ﷺ آمده و در ستون‌های بعدی، شناسه کدهای موجود در هر روایت<sup>۲</sup> ذکر شده است.

بررسی این روایات نشان می‌دهد که در روایات مذکور، سه مقوله یا به عبارت دیگر، سه موضوع اصلی وجود دارد که هرکدام شامل چندین زیرمقوله (موضوع فرعی) است. این زیرمقوله‌ها هم حاوی کدهای خاصی (کلیدواژه‌هایی) هستند:

**مقوله اول:** بستر نقل روایت با زیرمقوله‌های الف) نهی از فتنه‌انگیزی (A=؛ ب) نهی از شرکت در جنگ (B=، با کدهای ۱. نهی از یاری (هذا الرجل)؛ B<sup>۱</sup>؛ ۲. نهی از یاری ابن‌عم

رسول الله ﷺ (امام علی) = B<sup>2</sup>; ۳. نهی از شرکت در قتال بین مسلمانان = B<sup>3</sup>.

مقوله دوم: اصل روایت با زیر مقوله های الف) قتال بین دو مسلمان = C، با کدهای ۱. إذا

تَوَاجَهَ الْمُسْلِمَانِ بِسَيفَيْهِمَا = C<sup>1</sup>; ۲. إِذَا الْمُسْلِمَانِ، حَمَلَ أَحَدُهُمَا عَلَى أُخِيهِ/صَاحِبِهِ بِالسَّلَاحِ = C<sup>2</sup>;

۳. إِذَا اقْتَتَلَ الْمُسْلِمَانِ = C<sup>3</sup>; ۴. إِذَا التَّقَى الْمُسْلِمَانِ بِسَيفَيْهِمَا = C<sup>4</sup>; ۵. مَا مِنْ مُسْلِمَيْنِ التَّقَى

بِأَسْفِيهِمَا = C<sup>5</sup>; ۶. إِذَا أَشَارَ الرَّجُلُ/الْمُسْلِمُ عَلَى أُخِيهِ الْمُسْلِمِ بِالسَّلَاحِ = C<sup>6</sup>.

ب) بر لبه دوزخ بودن قتال کنندگان = D، با کدهای ۱. فَهُمَا عَلَى حَرْفِ جَهَنَّمَ = D<sup>1</sup>; ۲. فَهُمَا

عَلَى جُرْفِ جَهَنَّمَ = D<sup>2</sup>; ۳. فَهُمَا عَلَى طَرْفِ جَهَنَّمَ = D<sup>3</sup>.

ج) وجود اراده قتل = E.

د) دوزخی بودن قاتل و مقتول = F، با کدهای ۱. فَأَلْقَاتِلَ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ = F<sup>1</sup>; ۲. دَخَلَاهَا

(جهنم) جَمِيعًا = F<sup>2</sup>; ۳. فَهُمَا فِي النَّارِ = F<sup>3</sup>; ۴. فَكِلَاهُمَا مِنْ أَهْلِ النَّارِ = F<sup>4</sup>; ۵. خَرًّا جَمِيعًا فِيهَا

(جهنم) = F<sup>5</sup>.

مقوله سوم: ابهام و رفع آن با زیر مقوله های الف) پرسش علت جهنمی بودن مقتول = G;

ب) تعلیل جهنمی بودن مقتول = H، با کدهای ۱. إِنَّهُ أَرَادَ/يُرِيدُ قَتْلَ صَاحِبِهِ = H<sup>1</sup>; ۲. إِنَّهُ كَانَ حَرِيصًا

عَلَى قَتْلِ صَاحِبِهِ = H<sup>2</sup>; ۳. إِنَّهُ أَرَادَ/يُرِيدُ أَنْ يَقْتُلَ أَحَاةً (إنه كان يريد قتل أخيه) = H<sup>3</sup>.

شماره حدیث	منبع	راوی	بستر نقل روایت		اصل روایت			ایجاد ابهام		
			نهی از فته انگیزی = A	نهی از شرکت جنگ = B	قتال بین دو مسلمان = C	بسر لبه دوزخ بودن قتال کنندگان = D	وجود اراده قتل = E		دوزخی بودن قاتل و مقتول = F	پرسش علت جهنمی بودن مقتول = G
۱	جامع	ابوبکره			C <sup>1</sup>			H <sup>1</sup>	G	F <sup>1</sup>
۲	مسند طبالی	"			C	D <sup>1</sup>				F <sup>5</sup>
۳	مصنف صنعانی	"			C <sup>1</sup>				G	F <sup>1</sup>
۴	مصنف ابن شیهه	ابوموسی			C <sup>1</sup>				G	F <sup>3</sup>
۵	"	ابوبکره			C <sup>2</sup>	D <sup>1</sup>				F <sup>2</sup>
۶	مسند ابن حنبل	ابوموسی	A		C <sup>1</sup>				G	F <sup>1</sup>
۷	"	"			C <sup>1</sup>				G	F <sup>3</sup>
۸	"	"			C <sup>1</sup>				G	F <sup>3</sup>
۹	"	ابوبکره			C <sup>2</sup>	D <sup>1</sup>				F <sup>2</sup>

خاستگاه تاریخی جغرافیایی روایات نهی از شرکت در قتل بین مسلمانان، نصرت نیل ساز و مرجان شیری ۳۳۷

10.22052/HADITH.2022.247410.1236

شماره حدیث	منبع	راوی	بستر نقل روایت		اصل روایت			ایجاد ابهام		
			فته انگیزی A=	نهی از شرکت در جنگ B=	قتال بین دو مسلمان C=	بسر لسه دوزخ بودن قتال کنندگان D=	وجود اراده قتل E=	دوزخی بودن قاتل و مقتول F=	پرسش و علت جهنمی بودن مقتول G=	پاسخ تعابیل جهنمی بودن مقتول H=
۱۰	-	-	-	-	C <sup>1</sup>			F <sup>1</sup>	G	H <sup>1</sup>
۱۱	-	-	-	-	C <sup>1</sup>			F <sup>1</sup>	G	H <sup>1</sup>
۱۲	-	-	-	-	C <sup>3</sup>			F <sup>1</sup>		
۱۳	-	-	-	-	C <sup>1</sup>		E	F <sup>2</sup>	G	H <sup>1</sup>
۱۴	-	-	-	-	C <sup>1</sup>			F <sup>2</sup>		
۱۵	منتخب مسند عبد بن حمید	ابوموسی			C <sup>1</sup>			F <sup>3</sup>	G	H <sup>1</sup>
۱۶	صحیح بخاری	ابوبکره		B <sup>1</sup>	C <sup>4</sup>			F <sup>1</sup>	G	H <sup>2</sup>
۱۷	-	-	-	B <sup>2</sup>	C <sup>1</sup>			F <sup>2</sup>	G	H <sup>1</sup>
۱۸	تاریخ کبیر بخاری	-	-	-	C <sup>1</sup>			F <sup>3</sup>		
۱۹	صحیح مسلم	-	-	B <sup>2</sup>	C <sup>1</sup>			F <sup>1</sup>	G	H <sup>1</sup>
۲۰	-	-	-	-	C <sup>4</sup>			F <sup>1</sup>		
۲۱	-	-	-	-	C <sup>2</sup>	D <sup>2</sup>		F <sup>2</sup>		
۲۲	سنن ابن ماجه	انس بن مالک			C <sup>3</sup>			F <sup>1</sup>		
۲۳	-	ابوموسی			C <sup>4</sup>			F <sup>1</sup>	G	H <sup>1</sup>
۲۴	-	ابوبکره			C <sup>2</sup>	D <sup>2</sup>		F <sup>2</sup>		
۲۵	سنن سجستانی	-	-	B <sup>3</sup>	C <sup>1</sup>			F <sup>1</sup>	G	H <sup>1</sup>
۲۶	الأحداد والمثنای	-	-	B <sup>2</sup>	C <sup>1</sup>			F <sup>3</sup>	G	H <sup>1</sup>
۲۷	-	-	-	-	C <sup>1</sup>			F <sup>3</sup>		
۲۸	سنن کبری نسائی	-	-	-	C <sup>6</sup>	D <sup>2</sup>		F <sup>3</sup>		
۲۹	-	-	-	-	C <sup>2</sup>	D <sup>2</sup>		F <sup>3</sup>		
۳۰	-	ابوموسی			C <sup>1</sup>			F <sup>3</sup>	G	H <sup>1</sup>
۳۱	-	-	-	-	C <sup>1</sup>			F <sup>3</sup>		
۳۲	-	ابوبکره			C <sup>1</sup>		E	F <sup>3</sup>	G	H <sup>2</sup>
۳۳	-	-	-	-	C <sup>4</sup>			F <sup>1</sup>		
۳۴	-	ابوموسی			C <sup>1</sup>			F <sup>1</sup>	G	H <sup>1</sup>
۳۵	-	ابوبکره			C <sup>1</sup>			F <sup>1</sup>	G	H <sup>3</sup>
۳۶	-	-	-	-	C <sup>4</sup>			F <sup>1</sup>		
۳۷	المجتبی	-	-	-	C <sup>1</sup>			F <sup>1</sup>	G	H <sup>1</sup>
۳۸	-	-	-	-	C <sup>4</sup>			F <sup>1</sup>		

### ۳. تاریخ‌گذاری براساس کهن‌ترین منبع

یکی از روش‌های تاریخ‌گذاری احادیث، شناسایی کهن‌ترین منبعی است که روایت برای اولین بار در آن آمده است. کهن‌ترین منبع یک روایت نشان می‌دهد که آن روایت، حداقل در زمان تألیف آن کتاب موجود بوده، اما نشان نمی‌دهد که آیا قبل از آن زمان وجود داشته است یا نه؟ (برای آشنایی بیشتر با این روش ر.ک: موتسکی، ۱۳۹۴ الف: ۳۳-۴۰).

روایت مذکور با ۳۸ متن و ۶۲ سند در ۱۴ منبع، سه قرن نخست هجری از سه صحابی، ابوبکر (م ۵۱-۵۲)، ابوموسی اشعری (م ۴۹-۵۳) و انس بن مالک (م ۹۰-۹۳) ذکر شده است. کهن‌ترین منبع این روایت، جامع معمر بن راشد (م ۱۵۰-۱۵۴) است که یک تحریر از ابوبکر با دو مقوله آخر روایت در باب فتن را در دو موضع آورده است.

منبع بعدی، مسند طیالسی (م ۲۰۴) است که در مسند «ابوبکر الثقفی»، تحریری از وی آورده است که تنها مقوله دوم روایت را دارد. اولین بار در این منبع، زیر مقوله «بر لبه دوزخ بودن قتال‌کنندگان (=D)» ذکر شده است (ر.ک: جدول، ح ۲).

در منبع بعدی، مصنف صنعانی (م ۲۱۱)، همان تحریر موجود در جامع معمر، مانند جامع در باب فتن و در دو موضع ذکر شده است (ر.ک: جدول، ح ۱ و ۳).

در منبع سوم، مصنف ابن ابی شیبه (م ۲۳۵) دو تحریر، یکی از ابوموسی با دو مقوله آخر روایت و تحریری از ابوبکر با مقوله دوم روایت در باب «من کره الخروج فی الفتنة وتعود عنها» آمده است.

در منبع بعدی، مسند احمد بن حنبل (م ۲۴۱)، ۹ متن با ۱۱ سند، سه تحریر از ابوموسی و ۶ متن و ۸ سند از ابوبکر نقل شده است. زیر مقوله «نهی از فتنه‌انگیزی =A» فقط در این منبع در تحریری از ابوموسی آمده (ر.ک: جدول، ح ۶) است. این تحریر می‌گوید برادر ابوموسی به سرعت وارد فتنه‌ها می‌شد و ابوموسی وی را از این کار باز می‌داشت؛ اما او دست‌بردار نبود. بنابراین، ابوموسی به منظور موعظه او این روایت را از پیامبر ﷺ نقل کرد. متن دو تحریر دیگر منقول از ابوموسی یکسان و مانند تحریر ابوموسی در مصنف ابن ابی شیبه است، فقط سندهای آن‌ها متفاوت‌اند (ر.ک: جدول، ح ۴، ۷، ۸). در یکی از تحریرهای ابوبکر کد «فَهُمَا عَلَي طَرْفِ جَهَنَّمَ<sup>3</sup>=D)» ذکر شده که در هیچ تحریر دیگری نیامده است (ر.ک: جدول، ح ۹). دو تحریر دیگر

منقول از ابوبکره با متن یکسان و ۵ سند ذکر شدند که یکی از سندها، منقول از صنعانی است؛ اما متن روایت با تحریر مصنف صنعانی و جامع معمر در یک کد تفاوت دارد (ر.ک: جدول، ح ۱، ۳، ۱۰، ۱۱). در یکی دیگر از تحریرهای ابوبکره، زیر مقوله «وجود ارادة قتل = E» برای اولین بار ذکر شده است (ر.ک: جدول، ح ۱۳). احمد بن حنبل در یک موضع، یک تحریر را با چهار سند از ابوبکره نقل کرده و چند صفحه بعد، تحریر دیگری را با همان چهار سند آورده است. این دو تحریر فقط در یک کد مشترک‌اند (ر.ک: جدول، ح ۱۰، ۱۴).

منبع بعدی، منتخب مسند عبد بن حمید (م ۲۴۹)، یک تحریر از ابو موسی نقل کرده که متن آن با تحریر منقول از ابو موسی در مصنف ابن ابی شیبه یکسان است؛ اما در سند تحریر عبد بن حمید یک راوی کمتر از سند ابن ابی شیبه است. سندها بدین گونه‌اند: ۱. ابو موسی، حسن بصری، قتاده، سلیمان تیمی، یزید بن هارون، ابن ابی شیبه؛ ۲. ابو موسی، حسن بصری، سلیمان تیمی، یزید بن هارون، عبد بن حمید. با توجه به اینکه سلیمان تیمی (م ۱۴۳) هم از قتاده (م ۱۱۸) و هم از حسن بصری (م ۱۱۰) نقل بی‌واسطه دارد (ر.ک: مزی، ۱۴۰۶، ج ۱۲: ۵-۱۲)، فعلاً نمی‌توان درباره سندها قضاوتی کرد.

دو منبع بعدی، صحیح و تاریخ کبیر بخاری (م ۲۵۶) هستند. در صحیح ۲ متن با ۱۱ سند متصل و ۱ سند منقطع از ابوبکره در باب‌های «بَابُ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: وَ مَنْ أَحْيَاهَا»، «وَأَنْ طَانِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا» و «إِذَا التَّقَى الْمُسْلِمَانِ بَسِيفِيهِمَا» آمده و در تاریخ کبیر یک تحریر از ابوبکره آمده است. سندها و متون این تحریرها با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. در یکی از این تحریرها با ذکر عبارت «لِيَالِي الْفِتْنَةِ»، جنگ جمل، فتنه نامیده شده است. این عبارت در هیچ تحریر دیگری نیامده است.

منبع هشتم، صحیح مسلم (م ۲۶۹) ۳ متن و ۷ سند از ابوبکره در باب «إِذَا تَوَاجَهَ الْمُسْلِمَانِ بَسِيفِيهِمَا» آورده است. در یکی از تحریرها بعد از ذکر کد «نهی از یاری ابن عم رسول‌الله ﷺ»، مقصود از پسرعموی پیامبر ﷺ، با عبارت «يَعْنَى عَلِيًّا» مشخص شده است (ر.ک: جدول، ح ۱۹). قابل توجه است که در یکی از سندهایی که بی‌متن و با ارجاع به همین تحریر (ح ۱۹) ذکر شده، مروی عنہ مسلم، روایت را از صنعانی ذکر کرده و تصریح می‌کند که روایت در کتاب

صنعتانی «حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ مِنْ كِتَابِهِ» آمده است؛ اما متن و سند این تحریر در سه کتاب موجود (مصنف، تفسیر و الأمالی فی آثار الصحابة) صنعتانی نیست.

در منبع بعدی، سنن ابن ماجه (م ۲۷۳-۲۷۵) ۳ متن و ۴ سند آمده، تحریری از ابوبکره، ۲ سند و ۱ متن از ابوموسی و تحریری از انس بن مالک در باب «إِذَا التَّقَى الْمُسْلِمَانِ بِسَيْفَيْهِمَا» آمده است. فقط در این کتاب، تحریری از انس بن مالک نقل شده است.

منبع دهم، سنن سجستانی (م ۲۷۵)، ۱ متن و ۳ سند از ابوبکره در باب «فی النهی عن القتال فی الفتنة» آورده است. این متن با ۲ سند نقل شده که شامل کد «نهی از شرکت در قتال بین مسلمانان = B<sup>3</sup>» است. این کد در تحریر دیگری ذکر نشده و این دو سند با متن متفاوتی در صحیح مسلم آمده اند (ر.ک: جدول، ح ۱۹، ۲۵). سند دیگر را سجستانی از مروی عنه خود از صنعتانی، بی متن و با ارجاع به متن قبلی و ذکر «مَعْنَاهُ مُخْتَصَرًا» نقل کرده، همان سندی که در صحیح مسلم از صنعتانی نقل شده، اما در کتب موجود صنعتانی نیست.

منبع بعدی، الأحاد والمثانی ابن ابی عاصم (م ۲۸۷)، ۲ متن با ۵ سند از ابوبکره آورده است. یکی از تحریرها با ۳ سند ذکر شده است. این سندها در صحیح مسلم هم با یک متن آمده اند، اما متون آن‌ها در یک کد باهم تفاوت دارند (ر.ک: جدول، ح ۲۰، ۲۷).

منبع یازدهم و دوازدهم، السنن الکبری و المجتبی نسائی (م ۳۰۳) هستند. ۹ متن با ۱۱ سند در سنن و ۹ متن با ۱۱ سند در المجتبی در باب «تَحْرِيمُ الْقَتْلِ» آمده: ۳ تحریر از ابوموسی و بقیه سندها و متن‌ها از ابوبکره نقل شده اند. ۷ تحریر در هر دو کتاب مثل هم ذکر شدند (ح ۲۸-۳۴).

در این دو کتاب، دو متن اندک متفاوت با یک سند (ر.ک: جدول، ح ۳۵، ۳۷) آمده اند. این سند را نسائی با واسطه مروی عنه خود از صنعتانی نقل کرده، که در صحیح مسلم و سنن سجستانی هم بی متن و با تفاوت در مروی عنه‌های آن‌ها از صنعتانی نقل شده اند، که در کتب موجود صنعتانی نیست.

در این دو کتاب، متن یکسانی با ۳ سند که تنها در یک راوی متفاوت اند (ر.ک: جدول، ح ۳۶، ۳۸)، ذکر شدند. سندی که در سنن کبری ذکر شده، بعینه در صحیح مسلم و الأحاد والمثانی هم آمده است (ح ۲۰، ۲۷، ۳۶). متن هم با تحریر مسلم یکی است (ر.ک: جدول، ح ۲۰، ۳۶، ۳۸).

سندها بدین گونه اند: ۱. ابوبکره، احنف بن قیس، حسن بصری، ایوب و یونس و معلی بن زیاد، حماد بن زید، احمد بن عبده، مسلم و ابن ابی عاصم و نسائی؛ ۲. ابوبکره،



احنف بن قیس، حسن بصری، ایوب و یونس و علاء بن زیاد، حماد، احمد بن عبده، نسائی. هر دو نفر، علاء بن زیاد (م ۹۴) و معلى بن زیاد (م نامعلوم) بصری هستند (ر.ک: مزى، ۱۴۰۶ق، ج ۲۲: ۴۹۷-۵۰۶؛ ج ۲۸: ۲۸۷-۲۸۸) و از راویان حسن بصری (م ۱۱۰) و مروی عندهای حماد بن زید (م ۱۷۹) شمرده شده‌اند؛ اما از سوی دیگر گفته شده احتمالاً حماد متولد سال ۹۸ هجری است (ر.ک: همان، ج ۷: ۲۳۹-۲۵۳)، در حالی که علاء متوفای ۹۴ هجری است؛ در نتیجه، حماد نمی‌توانسته بی‌واسطه از علاء بن زیاد اخذ حدیث کند. حتی اگر تاریخ ولادت حماد هم صحیح نباشد، تفاوت سنی بین وفات آن‌ها، ۸۵ سال، بسیار زیاد است و چون هیچ‌یک از معمرین محسوب نمی‌شوند، حماد امکان سماع حدیث از علاء را نداشته است. بنابراین، با استناد به سند مذکور در سنن کبری که در صحیح مسلم و الآحاد والمثانی هم آمده، باید گفت در سند منقول در المجتبی تصحیف رخ داده و معلى بن زیاد به علاء بن زیاد تبدیل شده است.

### نتیجه

براساس بررسی‌های فوق نتایج ذیل حاصل شد:

۱. کهن‌ترین منبع روایت مورد نظر، جامع معمر است؛ بنابراین، این روایت حداقل در نیمه نخست قرن دوم با دو مقوله آخر وجود داشته است. مقوله اول آن، با زیر مقوله «نهی از فتنه‌انگیزی=A») اولین بار در مسند احمد بن حنبل یعنی تقریباً یک قرن بعد، در نیمه اول قرن سوم ذکر شده است. دیگر زیر مقوله مقوله اول «نهی از شرکت در جنگ=B») نخستین بار در صحیح بخاری، یعنی در نیمه قرن سوم آمده است. بنابراین، ظاهراً این مقوله متأخرتر از دو مقوله نخست روایت است. اما اگر به سندی که مسلم از مصنف صنعانی بی‌متن و با ارجاع به متن تحریر قبلی ذکر کرده اعتماد کنیم، این مقوله با زیر مقوله «نهی از شرکت در جنگ=B») در کتاب صنعانی آمده بوده و تاریخ آن، نیم قرن عقب‌تر یعنی به ابتدای قرن سوم می‌رسد.

۲. در جامع معمر این روایت از ابوبکره نقل شده، اولین بار سه ربع قرن بعد، در مصنف ابن ابی شیبه، تحریری به ابوموسی نسبت داده شده و تقریباً چهل سال بعد، در سنن ابن ماجه، تحریری از انس بن مالک نقل شده است. بنابراین، ظاهراً مطابق با نظریه ساخت و ینبل (برای آگاهی از این نظریه ر.ک: شیری و نیل‌ساز، ۱۳۹۹ش:

۲۶۵-۲۶۶) سندهای این روایت با مرور زمان تکثیر شده‌اند (برای نقد این نظر. نک. همین مقاله، بخش نتیجه تاریخ‌گذاری بر اساس حلقه مشترک).

۳. بیشترین تحریرهای این روایت در مسند احمد بن حنبل و سنن کبری و المجتبی نسائی آمده‌اند.

۴. مسلم، سجستانی و نسائی، تحریر یا سندی را از صنعانی نقل کرده‌اند که در کتب موجود وی نیامده‌اند و با توجه به تأکید مسلم مبنی بر وجود روایت خود در کتاب صنعانی، دو احتمال وجود دارد: ۱. این روایت در نسخه‌ای از سه کتاب موجود (مصنف، تفسیر و الأملی فی آثار الصحابة) صنعانی بوده که به دست ما نرسیده؛ ۲. در اثری از صنعانی آمده بوده که به دست ما نرسیده است. به هر حال، آن اثر در دسترس آن‌ها (مسلم، سجستانی و نسائی) قرار داشته، یعنی تا انتهای قرن سوم موجود بوده است.

۵. مشاهده کردیم که نسائی تحریری را با تفاوت در یک راوی در هر دو کتابش ذکر کرده که سند مذکور در المجتبی محرف است؛ بنابراین، وی سند صحیح این روایت را می‌شناخته و احتمالاً این تصحیف توسط راوی یا نسخه‌بردار المجتبی به وجود آمده است.

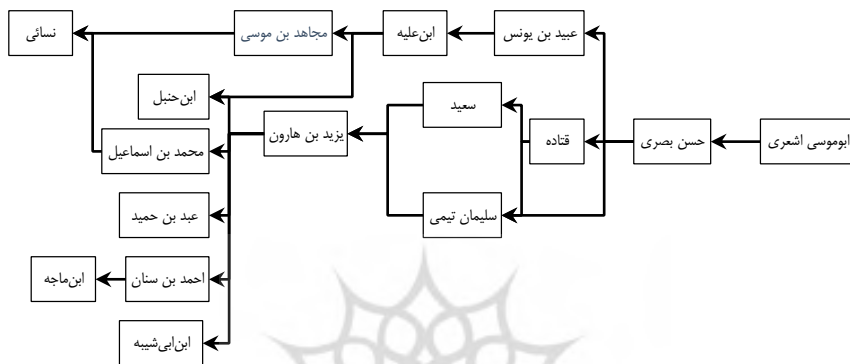
#### ۴. تاریخ‌گذاری بر اساس حلقه مشترک

شاخت و پس از او اینبل، با رسم اسانید مختلف یک روایت، فردی را که پس از او سلسله سندها انشعب می‌یابد، یعنی افراد متعددی از وی روایت را نقل کرده‌اند، «حلقه مشترک» (Common Link) نامیدند و او را هم جاعل متن حدیث و هم جاعل بخش متقدم سند که او را به کهن‌ترین مرجع متصل می‌کند، دانستند. اما شولر و موتسکی حلقه مشترک را نه لزوماً جاعل حدیث، بلکه اولین نشردهنده نظام مند حدیث دانسته و گفته‌اند: حلقه مشترک، نشان‌دهنده وجود حدیث در زمان وی است؛ اما نمی‌توان ادعا کرد که قبل از وی، آن روایت نبوده است (ر.ک: موتسکی، ۱۳۹۴: ۳۳۴-۳۳۹). هرگاه برخی شاگردان حلقه مشترک، خود چند شاگرد داشته باشند که

خاستگاه تاریخی جغرافیایی روایات نهی از شرکت در قتال بین مسلمانان، نصرت نیل‌ساز و مرجان شیری ۳۴۳

راوی روایت او باشند، شاگرد حلقه مشترک را، حلقه مشترک فرعی (Partial Common Link) می‌نامیم (ر.ک: ینبل، ۱۳۹۴ش: ۴۱۹).

به منظور تاریخ‌گذاری این احادیث براساس حلقه مشترک، ابتدا نمودار طرق هر صحابی راوی این روایت ترسیم و سپس طرق هر صحابی به ترتیب تاریخ وفات، بررسی و حلقه‌های مشترک آن‌ها مشخص می‌گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



#### ۱-۴. طرق تحریرهای ابوبکره

ابوبکره بن حارث ثقفی صحابی پیامبر ﷺ، پدرش برده حارث بن کلهه ثقفی بود که در جریان محاصره طائف در سال هشتم هجری، تسلیم پیامبر ﷺ شد و آن حضرت وی را آزاد کردند. ابوبکره، برادر مادری زیاد بن ابیه است و خلیفه دوم عمر شهادت وی را نمی‌پذیرفت. وی بین سال‌های ۵۰ تا ۵۲ در بصره درگذشت (ر.ک: مزی، ۱۴۰۶ق، ج ۳۰: ۹۵).

بیشترین تحریرهای این روایت، یعنی ۲۸ متن و ۵۴ سند از ابوبکره نقل شده است. وی با چهار راوی، کهن‌ترین حلقه مشترک این روایت است. راویان وی عبارت‌اند از: احنف بن قیس تابعی، بصری (۶۷ یا ۷۲) (ر.ک: همان، ج ۲: ۲۸۲-۲۸۷)، ربیع بن حراش تابعی، کوفی (م ۱۰۰-۱۰۴)، حسن بصری (م ۱۱۰) و پسرش مسلم بن ابی‌بکره (م نامعلوم). همگی این راویان، از نظر زمانی و مکانی، امکان اخذ حدیث از ابوبکره را داشته‌اند و از راویان وی محسوب می‌شوند.

در بین راویان ابوبکره، تنها حسن بصری با ۸ راوی، حلقه مشترک فرعی است؛ البته از یکی از راویان وی با عنوان «رجل» ذکر شده که چون مجهول است، باید گفت ۷ نفر، راوی این روایت از وی هستند. حسن بصری در بیشتر طرق، با واسطه احنف بن قیس روایت را از ابوبکره نقل می‌کند؛ اما رجل و سه تن دیگر از راویان وی، روایت را از حسن بی‌واسطه از ابوبکره، نقل کرده‌اند. با توجه به اینکه حسن، هم از راویان ابوبکره محسوب می‌شود و هم از راویان احنف، محتمل است که وی روایت را از هر دو نفر اخذ کرده باشد. راویان حسن عبارت‌اند از: ۱. علاء بن زیاد عدوی بصری-شامی (م ۹۴)؛ ۲. قتاده بن دعامه بصری (م ۱۱۷-۱۱۸)؛ ۳. ایوب سختیانی بصری (م ۱۳۱)؛ ۴. یونس بن عبید بصری (م ۱۳۹-۱۴۰)؛ ۵. هشام بن حسان بصری (م ۱۴۸-۱۴۶)؛ ۶. مبارک بن فضاله بصری (م ۱۶۴-۱۶۶)؛ ۷. معلی بن زیاد بصری (م نامعلوم). همگی امکان اخذ حدیث از حسن را داشته‌اند. اما همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، علاء بن زیاد در طرق این روایت، تصحیف معلی بن زیاد است (ر.ک: بخش تاریخ‌گذاری براساس کهن‌ترین منبع). بدین ترتیب، ۶ نفر راوی این روایت از حسن هستند.

شایان ذکر است که قتاده، هشام و مبارک روایت را از حسن از ابوبکره نقل کرده‌اند؛ البته هشام روایت را از حسن از احنف از ابوبکره هم نقل کرده است.

#### ۴-۱-۱. حلقه‌های مشترک فرعی در طبقه سوم

در دو طبقه بعد از ابوبکر، یعنی در طبقه سوم، قتاده بن دعامة، ایوب سختیانی، منصور بن معتمر کوفی (م ۱۳۲) و هشام بن حسان، حلقه‌های مشترک فرعی اند.

قتاده: قتاده راوی حسن بصری است و راویان وی، معمر بن راشد بصری (م ۱۵۰-۱۵۳) و عمر بن ابراهیم بصری (م نامعلوم) هستند.

ایوب سختیانی: مروی عنه ایوب، حسن است و راویان وی، معمر بن راشد و حماد بن زید بصری (م ۱۷۹) هستند.

منصور بن معتمر: منصور روایت را از ربیع بن حراش اخذ کرده، که از نظر زمانی و مکانی این امکان را داشته است. از وی، شعبه بن حجاج واسطی (م ۱۶۰) و سفیان ثوری کوفی (م ۱۶۱) نقل کرده‌اند.

هشام بن حسان: راوی روایت از حسن بصری است و راویان وی، زانده بن قدامه کوفی (م ۱۶۰-۱۶۱) و حماد بن زید هستند.

#### ۴-۱-۲. حلقه‌های مشترک فرعی در طبقه چهارم

در سه طبقه بعد از ابوبکر، شعبه بن حجاج و حماد بن زید، حلقه‌های مشترک فرعی اند.  
شعبه بن حجاج: راویان وی، محمد بن جعفر غندر بصری (م ۱۹۳-۱۹۴)، پسرخوانده شعبه (مزی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۵: ۱-۵) و ابوداود طیالسی (م ۲۰۴) هستند. طیالسی این روایت را در مسندش آورده است.

حماد بن زید: حماد روایت را از چهار مروی عنه (ایوب سختیانی، یونس بن عیید، هشام بن حسان و معلی بن زیاد) نقل کرده، بنابراین، وی حلقه مشترک معکوس (برای این اصطلاح، ر.ک: ینیل، ۱۳۸۶ش: ۱۷۱-۱۷۲) است. راویان حماد، مؤمل بن اسماعیل بصری (م ۲۰۵-۲۰۶)، عبدالله بن عبدالوهاب بصری (م ۲۲۸)، عبدالرحمن بن مبارک بصری (م ۲۲۸-۲۲۹)؛ محمد بن ابوبکر بصری (م ۲۳۴)، ابوکامل فضیل بن حسین بصری (م ۲۳۷) و احمد بن عبده بصری (م ۲۴۵) هستند.

#### ۳-۱-۴. حلقه‌های مشترک فرعی در طبقه پنجم

در چهار طبقه بعد از ابوبکر، ۵ حلقه مشترک فرعی داریم: محمد بن جعفر غندر، مؤمل بن اسماعیل، صنعانی، ابوکامل و احمد بن عبده.

غندر: وی روایت را از شعبه نقل کرده و از او، ابوبکر بن ابی شیبه (م ۲۳۵)، احمد بن حنبل (م ۲۴۱)، محمد بن مثنی بصری (م ۲۵۲) و محمد بن بشار بصری (م ۲۵۲) نقل کرده‌اند. ابن ابی شیبه و احمد بن حنبل روایت را در کتابشان ذکر کرده‌اند.

مؤمل بن اسماعیل: مؤمل روایت را از حماد بن زید نقل کرده و از او بخاری و ابن ابی عاصم در کتابشان روایت کرده‌اند.

صنعانی: عبدالرزاق صنعانی روایت را از معمر اخذ کرده و در مصنف آورده است و از او، محمد بن متوکل قرشی هاشمی (م ۲۳۸)، احمد بن حنبل، احمد بن فضاله (م ۲۵۷) و حجاج بن شاعر بغدادی (م ۲۵۹) نقل کرده‌اند. احمد روایت را در کتابش آورده است.

ابوکامل: وی روایت را از حماد بن زید اخذ کرده و از ابوکامل، مسلم بن حجاج (م ۲۶۹) و ابوداود سجستانی (م ۲۷۵) در کتابشان روایت کرده‌اند.

احمد بن عبده: احمد راوی این روایت از حماد بن زید است و از او، مسلم، ابن ابی عاصم و نسائی در کتابشان نقل کرده‌اند.

#### ۲-۴. طرق تحریرهای ابوموسی اشعری

عبدالله بن قیس معروف به ابوموسی اشعری، قبل از هجرت در مکه به حضور پیامبر ﷺ رسید و ایمان آورد. سپس به حبشه هجرت کرد و با جعفر بن ابی طالب از حبشه به مدینه آمد. وی کارگزار پیامبر ﷺ در عدن، زبید و ساحل یمن بود و کارگزار عمر در کوفه و بصره و والی کوفه در زمان عثمان بود. ابوموسی بین سال‌های ۴۲ تا ۵۳ هجری در مکه و یا نزدیک کوفه درگذشت (ر.ک: مزی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۵: ۴۴۶-۴۵۳).

از ابوموسی ۹ متن و ۱۰ سند این روایت نقل شده، راوی ابوموسی، حسن بصری است. وی از نظر زمانی با استناد به اینکه در سن ۸۸ یا ۸۹ سالگی در سال ۱۱۰ قمری درگذشته (ر.ک: همان، ج ۶: ۱۲۶)، و از نظر مکانی هم با توجه به اینکه ابوموسی در اماکن مختلفی از جمله بصره

۳۴۸ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال شانزدهم، شماره سی و یکم، بهار و تابستان ۱۴۰۳، ص ۳۳۳-۳۰

و مکه حضور داشته (ر.ک: همان، ج ۱۵: ۴۴۶-۴۵۳)، امکان اخذ حدیث از ابوموسی را داشته است. همچنین حسن بصری یکی از راویان ابوموسی شمرده می شود (ر.ک: همان، ج ۶: ۹۵-۱۲۶). با این حال شارحان مسند احمد بن حنبل و سنن ابن ماجه، سماع حسن از ابوموسی را رد کرده و روایت وی را مرسل دانسته اند (ر.ک: ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۳۲: ۴۵۲؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸ق، ج ۵: ۴۵۲). در هر صورت حلقه مشترک این روایت حسن بصری است و انتساب آن به ابوموسی مورد تردید است.

حسن با سه راوی، حلقه مشترک این روایت است. راویان وی عبارت اند از: قتاده بن دعامه (م ۱۱۷-۱۱۸)، یونس بن عبید بصری (م ۱۳۹-۱۴۰) و سلیمان تیمی بصری (م ۱۴۳).

#### ۴-۲-۱. حلقه مشترک فرعی در طبقه سوم

در دو طبقه بعد از ابوموسی، در بین شاگردان حسن بصری، قتاده بن دعامه با دو راوی، حلقه مشترک فرعی است. راویان وی عبارت اند از: سلیمان تیمی و سعید بن ابی عروب بصری (م ۱۵۶-۱۵۷). بدین ترتیب، ظاهراً سلیمان این روایت را با واسطه و بی واسطه از حسن بصری اخذ کرده است، از نظر زمانی و مکانی چنین امکانی وجود دارد و سلیمان، هم از راویان حسن بصری و هم از راویان قتاده شمرده می شود (ر.ک: مزی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۲: ۱۲۵). طریقی که سلیمان با واسطه قتاده از حسن بصری نقل کرده، در مصنف ابن ابی شیبه و سنن ابن ماجه آمده راوی سلیمان یزید بن هارون است که در طریقی که سلیمان بی واسطه از حسن نقل کرده، نیز راوی اوست. شارحان مسند احمد بن حنبل (ر.ک: ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۳۲: ۴۵۲) و سنن ابن ماجه (ر.ک: ابن ماجه، ۱۴۱۸ق، ج ۵: ۴۵۲)، ورود قتاده بین سلیمان و حسن را اشتباه و خطا می دانند. شایان ذکر است که شارح سنن ابن ماجه، وقوع این اشتباه را به سبب سبک نگارش ابن ماجه دانسته است که با توجه به نقل این سند در مصنف ابن ابی شیبه رد می شود.

با توجه به مطالب فوق دو احتمال مطرح می شود: ۱. سلیمان به هر دو صورت روایت را اخذ و نقل کرده است؛ ۲. یزید بن هارون راوی سلیمان مرتکب این اشتباه شده و قتاده را واسطه نقل سلیمان از حسن قرار داده است. البته این احتمال ضعیف تر است، زیرا حذف سهوی نام یک راوی آسان تر از افزودن سهوی یک راوی در سند است.



#### ۲-۲-۴. حلقه‌های مشترک فرعی در طبقات بعدی طرق ابو موسی

دو حلقه مشترک فرعی دیگر در طرق تحریرهای ابوموسی وجود دارند: اسماعیل بن علیّه در طبقه چهارم و یزید بن هارون در طبقه پنجم.

اسماعیل بن علیّه: اسماعیل بن ابراهیم بصری، معروف به ابن علیّه (م ۱۹۳) (ر.ک: مزی، ۱۴۰۶ق، ج ۳: ۲۳-۳۳) روایت را از یونس بن عبید اخذ کرده و از او احمد بن حنبل و مجاهد بن موسی بغدادی (م ۲۴۴) نقل کرده‌اند، احمد روایت را در مسند آورده است.

یزید بن هارون: یزید روایت را از سلیمان تیمی و سعید بن ابی عروبّه نقل کرده، در نتیجه، حلقه مشترک معکوس است. راویان یزید، ابن ابی شیبّه، احمد بن حنبل، عبد بن حمید (م ۲۴۹)، احمد بن سنان واسطی (م ۲۵۹) و محمد بن اسماعیل بصری (م ۲۶۴) هستند که سه نفر نخست روایت را در کتابشان آورده‌اند. بدین ترتیب یزید حلقه مشترک معکوس و هم حلقه مشترک فرعی است.

#### ۳-۴. طریق تحریر انس بن مالک

انس بن مالک (م ۹۰-۹۳)، مدنی، ساکن بصره، خادم و صحابی پیامبر ﷺ. پس از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، مادر انس وی را که ۸ یا ۱۰ ساله بود، برای خدمت به پیامبر ﷺ نزد آن حضرت برد، او تا زمان وفات پیامبر ﷺ در خدمت ایشان بود (ر.ک: مزی، ۱۴۰۶ق، ج ۳: ۳۵۳-۳۷۸). از انس فقط یک تحریر در سنن ابن ماجه نقل شده است. راوی وی عبدالعزیز بن صهیب بصری (م ۱۳۱) است که از نظر زمانی و مکانی چنین امکانی را داشته است.

#### نتیجه

نتایج بررسی‌های فوق عبارت‌اند از:

۱. تنها حلقه مشترک این روایت در طبقه صحابه، ابوبکره (م ۵۰-۵۲) است؛ بنابراین، تحریر وی در نیمه قرن اول وجود داشته است.
۲. تحریر ابوموسی با توجه به حلقه مشترک بودن حسن بصری، حداقل قبل از سال ۱۱۰، یعنی در آغاز قرن دوم، در بصره موجود بوده؛ بنابراین، این تحریر در زمان و مکان نگارش جامع معمر بن راشد وجود داشته است. برخلاف نظریه تکثیر اسانید که

پیدایش اسناد تحریر ابوموسی را سه ربع قرن بعد از جامع معمر می‌داند (ر.ک: نتیجه بخش قبلی).

۳. به سبب وجود تنها یک طریق از تحریر انس بن مالک، نمی‌توان آن را بر مبنای تحلیل سندی تاریخ‌گذاری کرد؛ فقط براساس کهن‌ترین منبع آن، سنن ابن‌ماجه، می‌توان اطمینان داشت که در ربع آخر قرن سوم وجود داشته است.

### ۵. تاریخ‌گذاری براساس تحلیل سندی-متنی

روش تحلیل سندی-متنی ۵ مرحله دارد: ۱. همه تحریرهای مختلف یک روایت گردآوری می‌شود؛ ۲. شبکه‌ای از اختلاف‌های سندی در قالب نمودار رسم می‌شود تا فرایند نقل به خوبی مستند و حلقه‌های مشترک فرعی و اصلی مشخص شود. حلقه مشترک عجاتاً گردآورنده یا نشردهنده روایت در نظر گرفته می‌شود؛ ۳. با تحلیل متنی و همچنین استفاده از مطالب منابع رجالی مشخص می‌شود که حلقه مشترک واقعاً گردآورنده یا نشردهنده روایت بوده یا نه؛ ۴. گروه‌های اختلافات متنی با اختلافات سندی مقایسه می‌شود تا معلوم گردد میان آن‌ها همبستگی وجود دارد یا نه؛ ۵. در صورت وجود همبستگی می‌توان درباره متن اصلی که حلقه مشترک نقل کرده است و مسئول تغییرات ایجادشده در جریان نقل پس از وی، به نتیجه رسید (ر.ک: موتسکی، ۱۳۹۴ الف: ۷۷-۷۸).

به منظور تاریخ‌گذاری روایات پرهیز از ورود در قتال میان مسلمانان براساس تحلیل سندی-متنی، روایات منقول از هریک از حلقه‌های مشترک اصلی به طور مجزا بررسی می‌شوند.

### ۵-۱. حلقه‌های مشترک تحریرهای ابوبکر و ویژگی‌های متون آن‌ها

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، ابوبکر با چهار راوی، کهن‌ترین حلقه مشترک این روایت است. هیچ کد مشترکی در تمام تحریرهای منقول از وی وجود ندارد. در ادامه به بررسی تحریرهای حلقه‌های مشترک فرعی بعد از وی پرداخته می‌شود.

### ۵-۱-۱. حسن بصری و حلقه‌های مشترک بعد از وی

اولین حلقه مشترک فرعی بعد از ابوبکر، حسن بصری با ۶ راوی و ۱۹ متن و ۴۵ سند است. هیچ کد مشترکی در تمام تحریرهای وی وجود ندارد؛ اما دو کد «أَذَا تَوَاجَهَ الْمُسْلِمَانِ

بَسِيفِيهِمَا=C<sup>1</sup>)» و «فَالْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ=F<sup>1</sup>» و زیرمقوله «پرسش علت جهنمی بودن مقتول=G» در ۱۳ متن آمده‌اند. بنابراین، احتمالاً مشخصه‌های تحریر اصیل وی هستند. برای تعیین دقیق‌تر تحریر حسن بصری در ادامه به بررسی تحریرهای حلقه‌های مشترک فرعی بعد از وی پرداخته می‌شود.

**قتاده:** از قتاده دو نفر، معمر بن راشد سه تحریر (ر.ک: جدول، ح ۱، ۳، ۱۱) و عمر بن ابراهیم یک تحریر (ح ۳۳) نقل کرده‌اند. در همه این تحریرها کد «فَالْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ=F<sup>1</sup>» آمده است. نکته دیگر اینکه در هر سه تحریر معمر، راوی وی صنعانی است. جامع معمر را صنعانی روایت کرده و در مصنف صنعانی هم روایت بدون هیچ تغییری از معمر نقل شده است. احمد بن حنبل هم در مسند روایت را از صنعانی نقل کرده است. تحریر مسند با دو تحریر دیگر در یک کد تفاوت دارد. کد «إِنَّهُ كَانَ يُرِيدُ قَتْلَ أَخِيهِ=H<sup>3</sup>» در دو تحریر نخست به کد «إِنَّهُ كَانَ يُرِيدُ قَتْلَ صَاحِبِهِ=H<sup>1</sup>» تبدیل شده است؛ بنابراین، این تغییر احتمالاً توسط احمد بن حنبل ایجاد شده است. اما از آنجاکه تنها یک تحریر دیگر از قتاده نقل شده که فقط مقوله دوم روایت را دارد، می‌توان ادعا کرد که تحریر قتاده این مقوله را داشته و حداقل چنین بوده است: «إِذَا تَوَاجَهَ التَّمِي الْمُسْلِمَانِ بَسِيفِيهِمَا فَقَتَلَ أَحَدُهُمَا أَخِيهِ فَالْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ.»

**ایوب سختیانی:** راویان وی، معمر بن راشد و حماد بن زید هستند. دو متن با یک سند از معمر از ایوب نقل شده (ر.ک: جدول، ح ۳۵ و ۳۷) که تنها در یک کد «H<sup>1</sup> و H<sup>3</sup>» تفاوت دارند و هر دو را نسائی آورده، احتمالاً وی مسئول این تغییر است و ۱۰ متن از حماد از ایوب (ر.ک: جدول، ح ۱۰، ۱۴، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۶، ۳۸) نقل شده که همگی با سند مقرون (سندی که راوی یک متن روایت را با دو یا چند سند نقل کرده است) آمده‌اند؛ در نتیجه، نمی‌توان تحریر ایوب را بازسازی کرد.

**هشام بن حسان:** سه تحریر از هشام نقل شده، یک تحریر را زائده بن قدامه کوفی (ر.ک: جدول، ح ۳۲) و دو تحریر را حماد بن زید (ر.ک: جدول، ح ۱۰ و ۱۴) با سند مقرون نقل کرده است. در این تحریرها هیچ کد مشترکی وجود ندارد؛ بنابراین نمی‌توان تحریر هشام را مشخص کرد.

**حماد بن زید:** همان طور که پیش تر ذکر شد، حماد هم حلقه مشترک معکوس و هم حلقه مشترک فرعی است. طرق منقول از وی چهار گونه اند:

۱. دو تحریر متفاوت از هم که مؤمل بن اسماعیل از حماد از یونس، ایوب و هشام نقل کرده است (ر.ک: جدول، ح ۱۰ و ۱۴). در این دو تحریر تنها کد «إِذَا تَوَاجَهَ الْمُسْلِمَانِ بِسَيْفَيْهِمَا»<sup>۱</sup> مشترک است.

۲. تحریری که عبدالله بن عبدالوهاب از حماد از رجل روایت کرده است (ر.ک: جدول، ح ۱۷).

۳. چهار تحریر که احمد بن عبده از حماد از ایوب، یونس و معلى نقل کرده (ر.ک: جدول، ح ۲۰، ۲۷، ۳۶، ۳۸)، سه تحریر آن‌ها یکسان اند، و در تحریر دیگر (ر.ک: جدول، ح ۲۷) یک کد تغییر کرده است. بنابراین، تحریر احمد بن عبده بدین شرح است: «إِذَا التَّمَى الْمُسْلِمَانِ بِسَيْفَيْهِمَا، فَالْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ». مسبب تغییر تحریر دیگر باید ابن ابی عاصم باشد که روایت را در کتابش آورده است.

۴. سه راوی چهار تحریر از حماد از یونس و ایوب از حسن از احنف بن قیس از ابوبکره (ر.ک: جدول، ح ۱۶، ۱۹، ۲۵، ۲۶) نقل کرده اند. این تحریرها هر سه مقوله روایت را دارند و مشابه یکدیگرند اما در برخی کدها تفاوت دارند. با مقایسه آن‌ها با یکدیگر و براساس تعدد تکرار کدها در آن‌ها می توان گفت تحریر حماد-یونس و ایوب بدین شرح است: «قَالَ (احنف بن قیس): خَرَجْتُ وَ أَنَا أُرِيدُ هَذَا الرَّجُلَ. فَلَقِينِي أَبُو بَكْرَةَ فَقَالَ أَيْنَ تُرِيدُ؟ يَا أَحْنَفُ! قَالَ قُلْتُ: أُرِيدُ نَصْرَ ابْنِ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. قَالَ فَقَالَ لِي: يَا أَحْنَفُ! اذْجِعْ. فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ «إِذَا تَوَاجَهَ الْمُسْلِمَانِ بِسَيْفَيْهِمَا، فَالْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ» قَالَ قُلْتُ، أَوْ قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! هَذَا الْقَاتِلُ. فَمَا بَالُ الْمَقْتُولِ؟ قَالَ «إِنَّهُ قَدْ أَرَادَ قَتْلَ صَاحِبِهِ».

براساس بررسی های فوق، تنها تحریری که می توان اطمینان داشت از حماد نقل شده، تحریر اخیر است؛ زیرا سایر تحریرها را تنها یک راوی از حماد روایت کرده است. نکته قابل توجه شباهت این تحریر با تحریر منقول از عبدالله بن عبدالوهاب از حماد از رجل از حسن از ابوبکره است. تنها تفاوت این تحریر با آن‌ها در تغییر کد «فَكَلَاهُمَا مِنْ أَهْلِ النَّارِ»<sup>۲</sup> است. نکته دیگر اینکه حماد در پایان این تحریر می گوید این روایت را برای تأیید بر یونس و ایوب خواندم، آن‌ها

گفتند که حسن روایت را از احنف بن قیس از ابوبکر نقل کرده است. بنابراین، با توجه به شباهت متنی آن‌ها، توضیح حماد و سن کم حسن بصری در هنگام جنگ جمل که تقریباً ۱۴ سال بوده است. باید گفت در این سند افتادگی وجود دارد و حسن روایت را از احنف اخذ کرده نه از ابوبکر.

با بررسی‌های فوق، فقط به تحریر دو تن از حلقه‌های مشترک فرعی بعد از حسن بصری، قتاده و حماد بن زید دست یافتیم؛ در نتیجه، مطابق با بخش مشترک این دو تحریر، تحریر حسن حدائق بدین شرح است: «إِذَا تَوَاجَهَ الْمُسْلِمَانِ بِسَيْفَيْهِمَا، فَالْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ.»

نکته دیگر اینکه به جز دو تحریر فوق، دو تحریر دیگر هم از حسن نقل شده‌اند: تحریر مبارک بن فضاله (ر.ک: جدول، ح ۱۳) و تحریر زاندة بن قدامة از هشام از حسن (ر.ک: جدول، ح ۳۲). در هر دو تحریر مقوله آخر روایت آمده است؛ البته در یک تحریر کد «إِنَّهُ (كَانَ) أَرَادَ يَرِيدَ قَتَلَ صَاحِبِهِ<sup>۱</sup>» و در دیگری کد «إِنَّهُ كَانَ حَرِيصًا عَلَى قَتْلِ صَاحِبِهِ<sup>۲</sup>» ذکر شده است. با احتساب تحریر حماد-یونس و ایوب، در سه تحریر از چهار تحریر منسوب به حسن بصری این مقوله آمده که در دو تحریر از آن‌ها کد «H<sup>۱</sup>» ذکر شده است. بنابراین، به احتمال زیاد این مقوله تحریر حسن آمده بوده و تحریر وی حدائق بدین شرح بوده است: «إِذَا تَوَاجَهَ الْمُسْلِمَانِ بِسَيْفَيْهِمَا، فَالْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ» قَالَ فَقُلْتُ، أَوْ قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! هَذَا الْقَاتِلُ. فَمَا بَالُ الْمَقْتُولِ؟ قَالَ «إِنَّهُ قَدْ أَرَادَ قَتَلَ صَاحِبِهِ.»

#### ۵-۲. منصور بن معتمر و حلقه‌های مشترک بعد از وی

همان‌طور که پیش‌تر آمد، منصور بن معتمر روایت را از ربیع بن حراش از ابوبکر نقل کرده و با دو راوی حلقه مشترک فرعی است. از وی ۷ متن با ۸ سند نقل شده است که در همه آن‌ها کد مشترکی وجود ندارد. در ذیل با بررسی تحریرهای حلقه‌های مشترک بعد از وی، برای بازسازی تحریر منصور تلاش شده است.

**شعبة بن حجاج:** ۶ تحریر از وی نقل شده که در همه آن‌ها کد مشترکی وجود ندارد. طیالسی راوی دو تحریر از آن‌هاست. تحریری در مسند وی آمده و با تغییر در یک کد در سنن نسائی با واسطه یک راوی از وی نقل شده (ر.ک: جدول، ح ۲ و ۲۸)؛ بنابراین، متن اصیل تحریر

منقول از طیالسی در مسند آمده و در سنن نسائی کمی تغییر یافته است. عامل این تغییر نسائی یا مروی عنه وی است. تحریر طیالسی چنین است: «إِذَا أَشَارَ الرَّجُلُ عَلَى أَخِيهِ بِالسَّلَاحِ فَهُمَا عَلَى حَرْفِ جَهَنَّمَ فَإِذَا قَتَلَهُ وَقَعَا فِيهِ جَمِيعًا». «الرجل» و «حرف» در این تحریر به «المسلم» و «جرف» در سنن نسائی تبدیل شده است.

چهار تحریر دیگر را غندر نقل کرده، در این تحریرها دو کد «إِذَا الْمُسْلِمَانِ، حَمَلَ أَحَدُهُمَا عَلَى أَخِيهِ/صَاحِبِهِ بِالسَّلَاحِ =  $C^2$  و دَخَلَهَا (جهنم) جَمِيعًا =  $F^2$ » مشترک اند (ر.ک: جدول، ح ۵، ۹، ۲۱، ۲۴). تفاوت در زیر مقوله «بر لبه دوزخ بودن قتال کنندگان =  $D$ » است که در دو تحریر با کد «فَهُمَا عَلَى حَرْفِ جَهَنَّمَ =  $D^2$ » و در دو تحریر دیگر با کدهای «فَهُمَا عَلَى حَرْفِ جَهَنَّمَ =  $D^1$ » و «فَهُمَا عَلَى طَرْفِ جَهَنَّمَ =  $D^3$ » آمده است. همان طور که پیش تر ذکر شد، کد « $D^3$ » فقط در یک تحریر آمده (ر.ک: جدول، ح ۹)؛ بنابراین، به احتمال زیاد اصیل نیست و با توجه به اینکه در دو تحریر از چهار تحریر کد « $D^2$ » آمده، احتمالاً این کد در تحریر اصیل غندر آمده بوده و تحریر وی بدین شرح است: «إِذَا الْمُسْلِمَانِ، حَمَلَ أَحَدُهُمَا عَلَى أَخِيهِ السَّلَاحِ، فَهُمَا عَلَى حَرْفِ جَهَنَّمَ، فَإِذَا قَتَلَ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ، دَخَلَهَا جَمِيعًا». البته به سبب شباهت زیاد دو کد «فَهُمَا عَلَى حَرْفِ جَهَنَّمَ =  $D^1$ » و «فَهُمَا عَلَى حَرْفِ جَهَنَّمَ =  $D^2$ » بهتر است که وجود هر دو کد را به یک اندازه محتمل بدانیم و احتمالاً یکی از آنها نتیجه تصحیف جزئی است.

با مشخص شدن تحریرهای طیالسی و غندر، می توان گفت تحریر شعبه تقریباً بدین شرح است: «إِذَا الْمُسْلِمَانِ، حَمَلَ أَحَدُهُمَا عَلَى أَخِيهِ السَّلَاحِ، فَهُمَا عَلَى حَرْفِ جَهَنَّمَ، فَإِذَا قَتَلَهُ، دَخَلَهَا جَمِيعًا».

به جز تحریرهای شعبه، تنها یک تحریر دیگر از منصور نقل شده است: تحریر سفیان ثوری (ر.ک: جدول، ح ۲۹). این تحریر هم بسیار مشابه تحریرهای شعبه است. فقط کد «دَخَلَهَا (جهنم) جَمِيعًا =  $F^2$ » در این تحریر به کد «فَهُمَا فِي النَّارِ =  $F^3$ » تبدیل شده است. بنابراین، تحریر منصور تقریباً چنین است: «إِذَا الْمُسْلِمَانِ، حَمَلَ أَحَدُهُمَا عَلَى أَخِيهِ السَّلَاحِ، فَهُمَا عَلَى حَرْفِ جَهَنَّمَ، فَإِذَا قَتَلَ أَحَدُهُمَا الْآخَرَ فَهُمَا فِي النَّارِ/دَخَلَهَا جَمِيعًا».

از دیگر راوی ابوبکره، مسلم بن ابی بکره، فقط دو تحریر ذکر شده است که فقط مقوله دوم روایت را دارند اما با کدهای متفاوت؛ بنابراین، نمی توان تحریر مسلم را مشخص ساخت.

### ۳-۱-۵. نتیجه

براساس بررسی‌های فوق، سه دسته تحریر مشابه اما با تفاوت‌هایی مهم شناسایی شد که منسوب به ابوبکر هستند: تحریر حسن بصری، تحریر حماد-ایوب و یونس، و تحریر منصور بن معتمر. مفصل‌ترین تحریر، تحریر حماد-ایوب و یونس است که هر سه مقوله روایت را دارد. تحریر حسن بصری شامل دو مقوله آخر روایت است و تحریر منصور تنها مقوله دوم روایت را دارد. تحریر حماد-ایوب و یونس که براساس سند روایت از حسن بصری نقل شده، همان‌طور که انتظار می‌رود، در مقوله دوم و سوم با تحریر حسن مشترک است. اما تفاوت‌های تحریر منصور، تغییر کد «إِذَا تَوَاجَهَ الْمُسْلِمَانِ بِسَيْفَيْهِمَا = C<sup>1</sup>» به کد «إِذَا أَشَارَ الرَّجُلُ الْمُسْلِمُ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ بِالسَّلَاحِ = C<sup>2</sup>» و افزوده شدن زیر مقوله «بِر لَبِّهِ دُوزَخِ بَدُونِ قِتَالِ كِنْدِغَانِ = D» است. تفاوت مهم کد «C<sup>1</sup>» با کد «C<sup>2</sup>» در این است که در کد «C<sup>1</sup>» هر دو نفر علیه هم وارد نزاع می‌شوند؛ اما در کد «C<sup>2</sup>» تنها یک نفر به دیگری حمله می‌برد.

به سبب تفاوت‌های زیاد تحریرهای حلقه‌های مشترک فرعی ابوبکر، نمی‌توان تحریر وی را مشخص ساخت؛ فقط می‌توان اطمینان داشت که تحریر وی مقوله دوم روایت را داشته است.

### ۲-۵. حلقه‌های مشترک تحریرهای ابوموسی و ویژگی‌های متون آن‌ها

راوی تمام تحریرهای ابوموسی اشعری، حسن بصری است. از ۹ تحریر منقول از حسن-ابوموسی، ۵ تحریر مانند هم هستند (ر.ک: جدول، ح ۴، ۷، ۸، ۱۵، ۳۰) که از دو راوی حسن، قتاده و سلیمان تیمی نقل شده‌اند؛ بنابراین، تحریر اصیل حسن باید همین متن باشد: «إِذَا تَوَاجَهَ الْمُسْلِمَانِ بِسَيْفَيْهِمَا فَقَتَلَ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ فَهُمَا فِي النَّارِ قَبِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا الْقَاتِلُ فَمَا بَأْسُ الْمَقْتُولِ قَالَ أَرَادَ قَتْلَ صَاحِبِهِ.»

از قتاده، حلقه مشترک فرعی بعد از حسن، ۴ تحریر نقل شده است که دو تای آن‌ها با یکدیگر و با تحریرهای منقول از سلیمان تیمی یکسان‌اند (ر.ک: جدول، ح ۴ و ۸). یک تحریر هم فقط مقوله دوم روایت را دارد و در این مقوله با دو تحریر دیگر یکسان است (ر.ک: جدول، ح ۳۱). بنابراین، احتمالاً نسائی که این روایت را در کتابش ذکر کرده، تنها بخشی از آن را آورده

است؛ به خصوص اینکه سند این تحریر، سند تحریر احمد بن حنبل است (ر.ک: جدول، ح ۸)؛ البته با افزوده شدن یک راوی. بنابراین، تحریر قتاده همانند تحریر حسن بوده است.

حلقه مشترک فرعی دیگر این روایت، ابن علیّه با دو تحریر است (ر.ک: جدول، ح ۶ و ۳۴) که در یک مقوله تفاوت دارند؛ یک تحریر با هر سه مقوله آمده، البته از مقوله اول، زیر مقوله «نهی از فتنه انگیزی=A» را دارد که تنها در این تحریر آمده و تحریر دیگر با دو مقوله آخر روایت نقل شده، تفاوت این دو تحریر تنها در زیر مقوله نهی از فتنه انگیزی است. بنابراین، تحریر ابن علیّه حداقل بدین شرح است: «إِذَا تَوَاجَهَ الْمُسْلِمَانِ بِسَيْفَيْهِمَا فَقَتَلَ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ فَالْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ قَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا الْقَاتِلُ فَمَا بَالُ الْمَقْتُولِ قَالَ إِنَّهُ أَرَادَ قَتْلَ صَاحِبِهِ». تفاوت این تحریر با تحریر حسن بصری در یک کد است. در تحریر حسن کد «فَهُمَا فِي النَّارِ<sup>۳</sup>» آمده و در این تحریر کد «فَالْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ<sup>۱</sup>» نقل شده است. مسبب این تغییر می تواند ابن علیّه یا مروی عنه وی یونس بن عبید باشد. البته این احتمال هم منتفی نیست که حسن بصری هر دو صورت روایت را نقل کرده باشد؛ به ویژه با توجه به اینکه در تحریر حسن از ابوبکر کد «F<sup>۱</sup>» آمده است.

### ۳-۵. نتیجه

همان طور که پیش تر ذکر شد، نمی توان متن تحریر ابوبکر را مشخص ساخت؛ اما براساس تحریر حسن بصری که کهن ترین حلقه مشترک فرعی تحریرهای ابوبکر و حلقه مشترک تحریرهای ابوموسی است، باید گفت: این روایت حداقل با دو مقوله دوم و سوم آن در ابتدای قرن دوم در بصره نشر یافته است. وجود مقوله اول آن تنها در تحریرهای حماد-ایوب و یونس قطعی است؛ لذا روایت با این مقوله براساس تاریخ وفات حماد (م ۱۷۹)، حداقل در ربع آخر قرن دوم در بصره رواج داشته است. زیر مقوله «بر لبه دوزخ بودن قتال کنندگان=D» هم فقط در تحریرهای منصور بن معتمر (م ۱۳۲) آمده؛ بنابراین، حداقل در ربع اول قرن دوم در کوفه وجود داشته است.

### ۶. تحلیل و بررسی

روایات نهی از شرکت در قتال بین مسلمانان بدین سبب اهمیت دارند که با این نهی، مردم را به کناره گیری در جنگ های داخلی صدر اسلام مانند جمل، صفین و سایر جنگ های داخلی در



طول حیات جامعه اسلامی فرا خوانده است. بنابراین، دو دسته افراد از این روایات بهره برده‌اند: یکی شخصیت‌های برجسته و بارزی که از شرکت در جنگ‌ها و قیام‌های داخلی کناره‌گیری کردند و دوم حاکمان که با تمسک و نشر این روایات، مردم را از شرکت در قیام‌های مختلف بازداشتند.

این روایات در منابع شیعی موجود از سه قرن اول نیامده‌اند، اما در بعضی منابع بعد از قرن سوم نقل شده است. کهن‌ترین منابع شیعی این روایت، علل الشرائع (صدوق، ۱۳۸۶ق، ج ۲: ۴۶۲) و تهذیب الاحکام (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۶: ۱۷۴) هستند که روایت را هریک با سند خود از ابوالجوزاء از حسین بن علوان از عمرو بن خالد از زید بن علی از آبائه علیهم‌السلام نقل کردند. سند این روایت ضعیف است، زیرا درباره مذهب ابوالجوزاء اختلاف وجود دارد و او را امامی یا زیدی دانسته‌اند (ر.ک: خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۹: ۳۵۳). حسین بن علوان عامی، کذاب و متروک الحدیث است (ر.ک: ابن عدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۳۵۹؛ خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۷: ۳۵) و عمرو بن خالد بتری مذهب و ضعیف و متهم به جعل حدیث و نسبت دادن آن به زید بن علی و اجداد مطهر وی است (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۴۲؛ مزنی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۱: ۶۰۳-۶۰۷). اختلاف متنی مهم این روایت با روایات اهل سنت، ذکر قید مهم «علی غیر سنه» است؛ بدین شرح که اگر جنگ دو گروه مسلمان برخلاف سنت باشد، چنین مجازاتی دارند. بنابراین، ذکر این قید می‌تواند اشکال برآمده از اطلاق این روایات را رفع کند. منابع شیعی دیگری که حاوی این روایت هستند، آن را بی سند و بدون قید مذکور نقل کرده‌اند. برخی عالمان مانند ابن طاووس (م ۶۶۴) با استناد به این روایت از منابع اهل سنت، بر عدم عدالت تمامی صحابه استناد کرده‌اند (ر.ک: ابن طاووس، ۱۳۹۹ق: ۳۷۵؛ قمی، ۱۴۱۸ق: ۲۸۶) و بعضی دیگر با استناد به تحریری از این روایت که سبب عذاب مقتول را قصد وی بر قتل قاتل می‌دانند، صرف نیت انجام گناه را موجب عذاب و مجازات الهی دانسته‌اند (ر.ک: مجلسی، ۱۳۹۹ق، ج ۱۱: ۲۷۴؛ انصاری، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۴۶). براساس بررسی‌های فوق می‌توان ادعا کرد که این روایت از منابع و مراجع اهل سنت به منابع شیعی راه یافته است و راوی یا راویانی با هدف اصلاح آن قید «علی غیر سنه» را بدان افزودند.

بدین دلیل که این روایات هر دو طرف نبرد را مستحق دوزخ می‌داند، در تعارض با آیه «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِئَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ» (حجرات: ۹) است که به یاری مظلوم و مبارزه با ظالم فرمان داده است. همچنین با توجه به اینکه پیامبر ﷺ دربارهٔ عمار فرمود: «تَقْتُلُهُ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ» (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۳: ۲۲) و عمار در جنگ صفین به دست لشکر معاویه که ادعای اسلام داشت شهید شد. همیشه دو گروه مسلمانی که با یکدیگر می‌جنگند، هر دو بر باطل نیستند. وقایع تاریخی دیگری هم بر بطلان این روایت، مبنی بر جهنمی بودن هر دو گروه متخاصم مسلمان گواهی دارد (ر.ک: تیجانی، ۱۴۲۷ق: ۳۹۷-۴۰۰) که بارزترین آن‌ها واقعهٔ عاشوراست.

بنابراین، این روایت جعلی است و با توجه به اینکه براساس تاریخ‌گذاری این دسته روایات، تنها حلقهٔ مشترک آن در طبقهٔ صحابهٔ ابوبکره (م ۵۰-۵۲) است، این روایت در نیمهٔ قرن اول در بصره توسط ابوبکره، مرجع و حلقهٔ مشترک آن، جعل شده است. وی از کسانی است که انگیزهٔ این جعل را داشته است، زیرا از یاری امام علی علیه السلام خودداری و با وجود سکونت در بصره، از جنگ جمل کناره‌گیری کرد (مزی، ۱۴۰۶ق، ج ۳: ۹۵). همچنین با توجه به تکریم او توسط معاویه (ر.ک: طبری، بی‌تا، ج ۴: ۱۲۷)، سپردن ولایت سیستان به فرزند وی، عبیدالله بن ابی‌بکره، توسط حجاج بن یوسف ثقفی در سال ۷۸ قمری (طبری، بی‌تا، ج ۵: ۱۳۵) و نسبت وی با ابن‌زیاد، رابطهٔ خوبی با امویان داشته است. ازسوی دیگر، انتساب جعلی این حدیث توسط فرد یا افراد دیگری به وی، با توجه به اینکه او شخصیت برجسته و معروفی در بین صحابهٔ پیامبر ﷺ نیست، بعید است. براساس تاریخ وفات ابوبکره، روایت وی قبل از سال‌های ۵۰ تا ۵۲ در بصره وجود داشته و زمان جعل این روایت بین سال‌های ۳۶ (وقوع جنگ جمل) تا ۵۲ قمری بوده است.

نقل کردن این روایت توسط ابوموسی، با توجه به گرایش سیاسی وی، مخالفت او با امام علی علیه السلام و بازداشتن مردم از یاری امام علیه السلام (ر.ک: طبری، بی‌تا، ج ۳: ۴۹۷)، نقل روایت دیگری با موضوع کناره‌گیری در فتنه‌ها (ر.ک: ابن حنبل، بی‌تا، ج ۴: ۴۰۸؛ ابن ماجه، بی‌تا، ج ۲: ۱۳۱۰) پذیرفتنی است. ممکن است ابوموسی این روایت را از ابوبکره اخذ و نقل کرده باشد و اسمی از ابوبکره نبرده باشد. البته انتساب جعلی این روایت بدو هم با توجه به نظر شارحان مسند احمد بن

حنبل و سنن ابن‌ماجه (ر.ک: همین پژوهش) و نقل تنها یک نفر، حسن بصری، از وی محتمل است.

## ۷. نتیجه‌گیری

روایات نهی از شرکت در قتال مسلمانان با ۳۸ متن و ۶۲ سند در ۱۴ منبع، سه قرن نخست هجری اهل سنت از سه صحابی، ابوبکر، ابوموسی اشعری و انس بن مالک نقل شدند. تاریخ‌گذاری این روایات نشان داد که تنها حلقه مشترک آن‌ها در طبقه صحابه ابوبکر (م ۵۰-۵۲) است. بنابراین، کهن‌ترین تحریر این روایت، یعنی تحریر ابوبکر، در نیمه قرن اول در بصره وجود داشته است. اولین حلقه مشترک فرعی بعد از وی، حسن بصری (م ۱۱۰) است که در روایات منسوب به ابوموسی حلقه مشترک اصلی است؛ در نتیجه، تحریر منسوب به ابوموسی هم حداقل قبل از سال ۱۱۰ در بصره وجود داشته و حسن بصری بیشترین نقش در نقل و انتشار این روایات را ایفا کرده است. تحریر انس بن مالک، براساس کهن‌ترین منبع آن، سنن ابن‌ماجه، حداقل در ربع آخر قرن سوم نشر یافته است. این روایت به احتمال زیاد توسط ابوبکر با هدف دفاع از حیثیت خود در برابر کسانی که وی را به سبب کناره‌گیری در جنگ جمل، سرزنش و طعن می‌کردند، جعل شده است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. از جمله در مقاله‌های «تاریخ‌گذاری حدیث "علیکم بسنتی و سنة الخلفاء الراشدين" (روش تاریخ‌گذاری سند-متن)» (فقهی‌زاده و شفیع، ۱۳۹۴ ش)، «تاریخ‌گذاری حدیث "لن یفلح قوم ولوا امرهم امرأة" بر مبنای تحلیل اسناد و متن» (ریعان و رحمان‌ستایش، ۱۳۹۴ ش)، «تاریخ‌گذاری روایت "اذا كان... امورکم الی نسانکم فبطن الأرض خیر من ظهرها" بر مبنای تحلیل اسناد و متن» (رحمان‌ستایش و ریعان، ۱۳۹۵ ش) و «تاریخ‌گذاری حدیث "مرگ جاهلی" در متون امامیه» (شاه‌پسند و ثنائی، ۱۳۹۸ ش). در برخی مقالات هم با ترکیب روش تحلیل محتوا و روش‌های مختلف تاریخ‌گذاری شیوه‌های تاریخ‌گذاری جزئی‌تر و دقیق‌تر به کار گرفته شده‌اند: از جمله: «تاریخ‌گذاری روایات حاکی از دعای پیامبر ﷺ برای شمامت‌شدگان توسط ایشان در جوامع حدیثی اهل سنت» (شیری محمدآبادی و

همکاران، ۱۳۹۹ش) و «تاریخ‌گذاری روایات آغاز نزول وحی بر پیامبر اسلام ﷺ در جوامع روایی اهل سنت» (شیری محمدآبادی و نیل‌ساز، ۱۴۰۱ش).

۲. ترتیب روایات هر منبع در جدول براساس ترتیب ذکر روایات در هر منبع است.

## منابع

قرآن کریم.

ابن حنبل، احمد. (بی‌تا). المسند. بیروت: دار صادر.

ابن حنبل، احمد. (۱۴۱۶ق). المسند. تحقیق عامر غضبان و همکاران. بیروت: مؤسسة الرسالة.

ابن طاووس، سید علی بن موسی. (۱۳۹۹ق). الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف. قم: خیام.

ابن عدی، عبدالله. (۱۴۰۹ق). الكامل فی الضعفاء الرجال. تحقیق یحیی مختار. چ ۳. بیروت: دارالفکر.

ابن ماجه، محمد بن یزید. (بی‌تا). سنن. تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی. بیروت: دارالفکر.

ابن ماجه، محمد بن یزید. (۱۴۱۸ق). سنن. تحقیق بشار عواد. بیروت: دارالجیل.

اتسلندر، پیتر. (۱۳۷۱ش). روش‌های تجربی تحقیق اجتماعی. ترجمه بیژن کاظم‌زاده. تهران: انتشارات قدس.

انصاری، مرتضی. (۱۴۱۹ق). فرائد الأصول. قم: مجمع الفکر الإسلامی.

باردن، لورنس. (۱۳۷۵ش). تحلیل محتوا. ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

تیجانی، محمد. (۱۴۲۷ق). فسألوا اهل الذکر. قم: مرکز الأبحاث العقائدية.

خوئی، ابوالقاسم. (۱۴۱۳ق). معجم الرجال. چ ۵. بی‌جا: بی‌نا.

رحمان‌ستایش، محمدکاظم، وریغان، معصومه. (۱۳۹۵ش). تاریخ‌گذاری روایت «اذا كانت... امورکم

الی نساءکم فبطن الارض خیر من ظهرها» بر مبنای تحلیل اسناد و متن. علوم حدیث، شماره ۸۱،

۲۵-۵۰.

ریغان، معصومه، ورحمان‌ستایش، محمدکاظم. (۱۳۹۴ش). تاریخ‌گذاری حدیث «لن یفلح قوم ولوا

امرهم امرأة» براساس روش تحلیل متن و اسناد. علوم حدیث، شماره ۷۵، ۲۰-۴۲.

خاستگاه تاریخی جغرافیایی روایات نهی از شرکت در قتال بین مسلمانان، نصرت نیل‌ساز و مرجان شیری ۳۶۱

شاه‌پسند، الهه، و ثنایی، حمیدرضا. (۱۳۹۸ش). تاریخ‌گذاری حدیث «مرگ جاهلی» در متون امامیه. علوم حدیث، شماره ۹۲، ۷۸-۱۱۱.

شیری محمدآبادی، مرجان، نیل‌ساز، نصرت، قاضی‌زاده، کاظم، و غروی نایینی، نهله. (۱۳۹۹ش). تاریخ‌گذاری روایات حاکی از دعای پیامبر ﷺ برای شمامت‌شدگان توسط ایشان در جوامع حدیثی اهل سنت. تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۷(۳)، ۷۵-۱۱۸.

شیری محمدآبادی، مرجان، و نیل‌ساز، نصرت. (۱۳۹۹ش). واکاوی قواعد مشترک در شیوه‌های نقد حدیث مسلمانان و روش‌های تاریخ‌گذاری روایات خاورشناسان. مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ۲۶(۶۷)، ۲۵۱-۲۸۲.

شیری محمدآبادی، مرجان، و نیل‌ساز، نصرت. (۱۴۰۱ش). تاریخ‌گذاری روایات آغاز نزول وحی بر پیامبر اسلام ﷺ در جوامع روایی اهل سنت. مطالعات قرآن و حدیث، ۱۵(۲)، ۱۴۷-۱۷۷. صدوق، محمد بن علی. (۱۳۸۶ش). علل الشرائع. تحقیق محمدصادق بحرالعلوم. نجف: منشورات المكتبة الحیدریة.

طبری، محمد بن جریر. (بی تا). تاریخ الامم والملوک. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۵ش). تهذیب الاحکام. تحقیق حسن موسوی. تهران: دارالکتب الاسلامیة.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۵ق). رجال الطوسی. تحقیق جواد قیومی. قم: مؤسسة النشر الاسلامی. فقهی‌زاده، عبدالهادی، و شفیعی، سعید. تاریخ‌گذاری حدیث «علیکم بسنتی و سنت الخلفاء الراشدين» (روش تاریخ‌گذاری سند-متن). حدیث‌پژوهی، ۷(۱۴)، ۷-۳۲.

قمی، محمدطاهر. (۱۴۱۸ق). الأربعین. تحقیق سید مهدی رجایی. تهران: امیر. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۹۹ق). مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول. تحقیق سیدجعفر حسینی. تهران: دارالکتب الاسلامیة.

مزی، جمال‌الدین. (۱۴۰۶ق). تهذیب الکمال. تحقیق بشار عواد. بیروت: مؤسسة الرسالة. موتسکی، هارالد. (۱۳۹۴الف). ارزیابی تاریخ‌گذاری احادیث. تاریخ‌گذاری حدیث؛ روش‌ها و نمونه‌ها. به‌کوشش سید علی آقایی. تهران: حکمت.

موتسکی، هارالد. (۱۳۹۴ب). مطالعات حدیثی به کجا می‌رود؟. تاریخ‌گذاری حدیث؛ روش‌ها و نمونه‌ها. به‌کوشش سید علی آقایی. تهران: حکمت.

۳۶۲ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال شانزدهم، شماره سی و یکم، بهار و تابستان ۱۴۰۳، ص ۳۳۳-۳۰

ینبل، خوتیر. (۱۳۸۶ش). جامعه نخستین اسلامی: در آمدی به اصطلاح‌شناسی حدیثی خوتیر ینبل. ترجمه سید علی آقایی. سیره پژوهی در غرب. به کوشش مرتضی کریمی نیا. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

ینبل، خوتیر. (۱۳۹۴ش). بازنگری برخی اصطلاحات حدیثی. تاریخ گذاری حدیث؛ روش ها و نمونه ها. به کوشش سید علی آقایی. تهران: حکمت.

## References

The Holy Qurān.

Anṣārī, M. (1998). *Fara'id al-Aṣṣul*. Qum: Majma' al-Fikr al-Islāmī. [In Arabic].

Atslandr, P. (1992). *Rawishhāy Tajrubī Tahqīq Ijtima' ai*. Transl. by: Kāzīm Zādih B. Tehrān: Intisharāt Āstān Quds. [In Persian].

Bardin, Laurence. (1996). *Content Analysis*. Transl. by: Ašhtīānī, M and Yamanī, M. Tehrān: Intisharāt Shahid Beheshti University. [In Persian].

Faghhezad, AH and shafiei, S. (2015). "Chronicling the Hadith aHold to My Tradition and the Tradition of the Righteous Caliphsa (The Method of Chronicling the Chain of Transmission a Text)". *Hadith Studies*. Sal 7. Non 14. Autumn. p 7-32. [In Persian].

Ibn 'Adī 'AA. (1988). *al-Kāmil*. (ed. Ghazāwī YM). Beirut: Dār al-Fikr. [In Arabic].

Ibn Ḥanbal, A. (1995). *Musnad*. (ed. Ghadban 'A & Colleagues). Beirut: Mu'assasat ar-Risalah. [In Arabic].

Ibn Ḥanbal, A. (nd). *Musnad*. Beirut: Dār Ṣādir. [In Arabic].

Ibn Majāh, MBY. (1997). *as-Sunan*, (ed. 'Awwād B). Beirut: Dār al-Jīl. [In Arabic].

Ibn Majāh, MBY. (nd). *as-Sunan*, (ed. 'Abd al-Baqī MF). Beirut: Dār al-Fikr. [In Arabic].

Ibn Ṭāwus, ABM. (1978). *at-Ṭarā'if fi Ma'rifa Madhāhib at-Ṭawā'if*. Qum: Khayām. [In Arabic].

Juynboll, G.H.A. (2007). "Jāmi' ih Nukhustīn Isālmī: Daraṁadī bar Ištīlāḥ Shīnāsīd Juynboll, G.H.A". Transl. by: Anṣārī 'A. *Sīra Pazhuhī dar gharb*. (ed. Karīmī Nīā, M). Tehrān: Majma' Jahānī Taqrīb Madhāb Islāmī. [In Persian].

- Juynboll, G.H.A. (2015). "Bāznigārī barkhī Iṣṭlāḥāt Ḥadīthī". *Tārīkh gudhārī Ḥadīth; Rawish ḥā wa Nīmuniḥ ḥā*. (ed. Aqāyī 'A). Tehrān: Ḥikmat. p 417-469. [In Persian].
- Khuṭbā. (1992). *Mu'ajam ar-Rijal*. 5th p. nd. [In Arabic].
- Majlisī, MB. (1978). *Miraṭ al- 'Uqūl fī Sharḥ Akhbār Al-Rasūl*. (ed. Ḥusaynī J). Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmī. [In Arabic].
- Mizzī JD. (1985). *Tahdhīb al-Kamāl*. (ed. Ma'aruf B 'A). Beirut: Mu'assasat ar-Risāla. [In Arabic].
- Motzki H. (2015). "Arzīābī Tārīkh gudhārī Aḥādīth". *Tārīkh gudhārī Ḥadīth; Rawish ḥā wa Nīmuniḥ ḥā*. (ed. Aqāyī 'A). Tehrān: Ḥikmat. p 21-80. [In Persian].
- Motzki H.. (2015). "Muṭālī'āt Ḥadīthī biḥ Kuja Mī rawad?". *Tārīkh gudhārī Ḥadīth; Rawish ḥā wa Nīmuniḥ ḥā*. (ed. Aqāyī 'A). Tehrān: Ḥikmat. p 331-416. [In Persian].
- Qumī, MT. (1997). *al-Arba'īn*. (ed. Raja'ī, M). Tehran: Amīr. [In Arabic].
- Raḥmān Sitāyish, MK and Rayī 'ān, M. (2016). "The dating of the tradition "If...your affairs are with your wives, then the interior of the earth is better than its surface." based on the analysis of Isnad and Matn". *Ulum-I Ḥadīth*. Non81. Autumn. p 25-50. [In Persian].
- Rayī 'ān, M and Raḥmān Sitāyish. (2015). "The dating of the tradition "No people will succeed if they are governed by a woman " based on the analysis of Isnad and Matn". *Ulum-I Ḥadīth*. Non75. Spring. p 20-42. [In Persian].
- Ṣaduq, M. (2007). *Ilal al-Sharā'i'*. (ed. Baḥr al-'Ulūm, M). Najaf: Manshūrāt Maktab al-Ḥiydarīā. [In Arabic].
- Shāh Pasand, Elāheḥ. (2019). "The dating of the hadith "death of ignorance" in Imamiyyah texts", *Ulum-I Ḥadīth*. Non92. Summer. p 78-111. [In Persian].
- Shiri, Marjan, Nilsāz, Nosrat. (2020). "Analysis of common rules in the methods of criticizing the hadith of Muslims and the methods of dating the hadiths of Orientalists". *Motale'at Tārīkhī Qurān va Ḥadīth*, Sāl 26, No 67. p 251-282. [In Persian].
- Shiri, Marjan, Nilsāz, Nosrat. (2020). "Dating prophetic traditions which implied that the prophet prayed for whom were accursed by him in Sunni collections". *Journal*

۳۶۴ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال شانزدهم، شماره سی و یکم، بهار و تابستان ۱۴۰۳، ص ۳۳۳-۳۰

of *Quran and Hadith Sciences*, Vol.17, No.3, Serial.47, Autumn. p 75-118. [In Persian].

Shiri, Marjan, Nilsaz, Nosrat. (2022). "Dating the Traditions of Prophet's First Revelation in Sunni Collections". *Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies*, Research Article, Vol. 15, No. 2, (Serial. 30). Summer. p 147-177. [In Persian].

Ṭabarī, MBJ. (nd). *aṬ-Ṭarīkh*. Beirut: Mu'assasat al-ʿAlami li-l-Maṭbu'at. [In Arabic].

Ṭijānī, M. (2006). *Fas'alu Ahl adh-Dhikr*. Qum: Markaz al-'Abhāth al-'Aqā'idiā. [In Arabic].

Ṭūsī, MBH. (1986). *Tahdhīb al-Aḥkām*. (ed. MuṣawīḤ). Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmi. [In Arabic].

Ṭūsī, MBH. (1994). *aṬ-Rijāl*. (ed. Qayūmī Ṭsfiḥānī J). Qum: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmi at-tābi'ah li-Jamā'atu al-Mudarisīn. [In Arabic].

## The historical-geographical origin of the tradition of the prohibiting of participating in fight between two groups of Muslims

**Marjan Shiri MohammadAbadi**

Ph. D. in Quran and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran; Marjan.shiri@modares.ac.ir

**Nosrat Nilsaz**

Associate Professor of Quran and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran, (Corresponding Author); nilsaz@modares.ac.ir.

Received: 23/08/2022

Accepted: 30/09/2022

### Introduction

From the 19th century onwards dominating the historical approach in the western researches that western scholars use the hadiths as a source for reconstructing the history of early Islam. In the historical approach hadiths, whether genuine or fabricated, contain valuable information about the political, cultural and social conditions of the date and place of their origin. Orientalists developed and used different methods for the purpose of dating which have been modified over the time through critical examination. One of



the place of its origin is the tradition of the prohibiting of participating in fight between two groups of Muslims. Considering the hard civil wars in early Islam, dating this hadiths is of great importance.

### Materials and Methods

In this article using content analysis and different methods of dating traditions (first appearance in the sources, content analysis, Isnad analysis and Isnad-matn analysis), the historical and geographical origins and the gradual evolution of the tradition of the prohibiting of participating in fight between two groups of Muslims are specified. To do so, first, all various isnads and different texts of this tradition were collected from the traditional sources of the first three centuries of Islam, then using the content analysis method, the categories, subcategories and codes of different versions are determined and presented in a table. In the next step, using dating on the basis of the first appearance in the sources, the earliest source of this tradition is determined, and using the information of the content analysis table, the characteristics of this tradition in other sources are also mentioned in chronological order to determine the relation between the sources and to show how different version of this tradition appeared in the sources. Then, by drawing a diagram of the various isnads of this tradition, the common links and partial common links have been identified and dated based on the Isnad analysis method. In the last stage using the content analysis table and comparing it with Isnad analysis information, the original version of each common link and partial common link has been reconstructed and the person or persons responsible for the changes in different versions has/ have been determined. Then by analyzing and examining this information, the time and the speaker is identified.

### Results and findings

The dating of the tradition of the prohibiting of participating in fight between two groups of Muslims showed that this hadith has been transmitted with 38 texts and 62 Isnad in 14 Sunni sources, in the first three centuries, and its transmitter in the existing Shia sources from the first three centuries, but in some sources after the third century, they have been transmitted. The earliest Shia sources of this tradition is which transmitted it through this chain of transmission: from the forefathers (as). This Isnad is weak, and according to the Sunni transmitters of this tradition, it is most likely has been transferred from Sunni sources to Shia sources. The oldest Sunni source of this tradition is of aa mrr

the first time, three quarters of a century later, in Ibn Abi-Shaybah's *Maa'annaf* ( 555 AD) vrrsi frmmA sss wss tttt nn almttt 00 yaar latrr i I āā j'" *Sunan* ( 333- AD) vrrii frmmAsss Inn āā lik wss tttt But Abū Bkkra (d. 50-52 AD) is only common link of this tradition in the category of the Cmiiii hrrefor t ll dsst vrrsinn ff tii trdditi taat i t vssinn ff Ab Bkkr eii tte i Barr in th firrt ll f ff tee first cttt rry hh first aartial mmmmm likk fftrr him i Hssaa ll-Bssrī (. 110 AD). But in the traditions attribut t A ūū āā Ahh<sup>c</sup> rrī, Hssaa is th mmmmm link A rellt t vrrii o tttritt t A sss iii st i Bssr tt lesst fffrr AD cccc Hssaa i t olssst rrr tial mmmmm likk ff A Bkkrr" vrrii a th mmmmm likk ff A ūū āā' vrrii sss hss ply the mii rll i t trsss missi nn ii ssmmaatinn ff tsss trdditiss Oll y o vriio ff Asss I āā lik sss ee trammh,, trrr ffor aae it errlisst oorr c I āā j'" *Sunan*, it can be said that this version disseminated at least in the last quarter of the third century.

### Conclusion

Considering the contradiction between the tradition of the prohibiting of participation in fight between two groups of Muslims with the Quran 49: 9, which commands to help the oppressed figtt ggii sst t rrrr sssrr rggrrii gg tcccnflict eetweessss sim ddd crrr ding t th preeee yy ffftee eeeee e (p))) taat AAnrr Yssir will be killed by the transgressor group «الفئة البيعية», this tradition is fabricated. Most likely it was forg A Bkkrr weeee mtt iv fir thi fbbriett igg llll fff nni gg ii m ggii ttt those who blamed him for withdrawing from the Battle of Jamal. The fake attribution of this hadith by a person or persons to him is unlikely, considering that he is not a rrmmtttt fmm rrr mnggg eeeee e's mmmii aee nn th ttt ff A Bkkra' daat,, ii trai tio xxitt i Basra before 50 to 52 AD and the time of this forgery might be between 36 AD ( the date of the Battle of Jamal) and 52 AD.

**Keywords:** the tradition of the prohibiting of participating in fight between two groups of Muslims, dating, earliest source, common Link, Isnad-matn analysis.